

ارتکاب به قتل در زنان قاتل: یک پژوهش کیفی

دکتر صفا مقصودلو^۱، دکتر آرش قدوسی^۲، دکتر علیرضا کفاشیان^۳، سمیه بهرام‌زاده^۴، دکتر عباس عطاری^۵

Committing Murder in Female Murderers: A Qualitative Research

Safa Maghsoodloo^{*}, Arash Ghodousi^a, Alireza Kafashian^b,
Somayeh Bahramzadeh^c, Abbas Attari^d

Abstract

Objectives: The aim of the present study was to examine the factors leading to murder in females convicted of this crime.

Method: In this qualitative research, a deep interview was carried out with 19 female murder convicts in Isfahan Central Prison, during which factors such as childhood and familial conditions, marriage, personal and familial features of the spouse, and motivations for murder were discussed. By coding the interviews and classifying similar codes together, three principal groups resulted: "factors related to the murderer", "factors related to the victim", and "factors related to murder". **Results:** The convicts belonged mainly to suburban and rural areas, and crowded families of low education and income. Most subjects had only passed the elementary years of school, and except for one case, none had a history of crime and imprisonment before committing the present crime. Also, a history of a major psychiatric disorder, antisocial and promiscuous behavior, aggression, and addiction before marriage was not present in any of the cases. Major motivations of murder included personal factors related to the victim and domestic problems after marriage. In most cases, the murder victim had been an aggressive individual, with a history of severe physical, sexual and psychological abuse toward his spouse, addiction, history of extramarital relations, encouraging or threatening women to make an earning through illicit means, unemployment, and improper financial status. **Conclusion:** Unsuitable marriage can lead to detrimental individual, familial and social consequences.

Key words: murderer; motivation; risk factors

[Received: 2 January 2008; Accepted: 14 October 2008]

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر منجر به قتل در زنان دارای این اتهام بود. **روش:** در این پژوهش که از نوع پژوهش‌های کیفی است با ۱۹ زن متهم به قتل در زندان مرکزی اصفهان، یک مصاحبه عمیق انجام شد و طی آن عواملی چون شرایط دوران کودکی و خانوادگی، ازدواج، ویژگی‌های فردی و خانوادگی همسر و انگیزه‌های قتل بررسی گردید. با کدگذاری مصاحبه‌ها و دسته‌بندی کدهای مشابه، سه گروه اصلی «عوامل مربوط به قاتل»، «عوامل مربوط به مقتول» و «عوامل مربوط به قتل» مشخص شد. **یافته‌ها:** متهمان بیشتر حاشیه‌نشین و روستائین، در خانواده‌هایی با جمعیت بالا و سواد کم و درآمد پایین بودند. سابقه خشونت و اعتیاد در شماری از خانواده‌های آنها گزارش شد ولی مشکل اصلی خانواده‌ها نبود. بیشتر افراد مورد بررسی تحصیلات پایین‌تر از دوره راهنمایی داشته و پیش از ارتکاب به چنین جرمی سابقه جرم و زندانی شدن به جز یک مورد نداشتند. سابقه اختلال مهم روانپزشکی، رفتارهای ضداجتماعی و منافی عفت، پرخاشگری و اعتیاد پیش از ازدواج در هیچ‌کدام از آنها گزارش نشد. مهم‌ترین انگیزه‌های قتل، عوامل فردی مربوط به مقتول و مشکلات زندگی پس از ازدواج بود. در بیشتر موارد، مقتول فردی پرخاشگر، با سابقه آزارهای جسمی، جنسی و روانی شدید نسبت به همسر، اعتیاد، سابقه روابط خارج از زناشویی، تشویق یا تهدید زنان به کسب درآمد از راه‌های غیرشرعی، بی‌کاری و وضع مالی نامناسب بود. **نتیجه‌گیری:** ازدواج‌های نامناسب می‌توانند پیامدهای زیانبار فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: زنان قاتل؛ انگیزه قتل؛ عوامل خطر

[دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۱۰/۱۳؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۷/۲۳]

^۱ متخصص اعصاب و روان، مرکز تحقیقات علوم رفتاری اصفهان، اصفهان، خیابان استانداری، بیمارستان نور و حضرت علی اصغر (ع)، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز تحقیقات علوم رفتاری. دورنگار: ۲۲۲۲۱۳۵-۰۳۱۱ (نویسنده مسئول) E-mail: maghsoudloo@mail.mui.ac.ir ^۲ متخصص پزشکی قانونی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان؛ ^۳ پزشک عمومی، سازمان زندان‌های استان اصفهان؛ ^۴ کارشناس روانشناسی، زندان مرکزی اصفهان؛ ^۵ روانپزشک، استاد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز تحقیقات علوم رفتاری.

* Corresponding author: Psychiatrist, Esfahan University of Medical Sciences. Behavioral Sciences research center, Noor Hospital, Ostandari St., Isfahan, Iran, IR. Fax: +98311-2222135. E-mail: maghsoudloo@mail.mui.ac.ir; ^a Forensic Medicine Specialist, Assistant Prof. of Khorasgan Islamic Azad University; ^b General Practitioner, Isfahan Province Prisons Organization; ^c MA. in Psychology, Isfahan Central Prison; ^d Psychiatrist, Professor of Isfahan University of Medical Sciences.

مقدمه

با توجه به نقش مهم زنان در استواری و سلامت خانواده‌ها، ارتکاب به جرم آنان می‌تواند پیامدهای زیان‌باری برای خانواده و جامعه به دنبال داشته باشد. آثار روانی جرم مادر بر روی فرزندان به جهت روابط هیجانی نیرومندتر با فرزندان نسبت به پدر، می‌تواند زمینه‌های ارتکاب به جرم را در آنان پدید آورد.

بسیاری از زنانی که درگیر یک رابطه خشن و آزاردهنده می‌شوند به شدت دچار افسردگی و احساس درماندگی شده و ممکن است در شرایطی قرار گیرند که به تصمیم‌های عجولانه و بزه روی آورند (موتز^۱، ۲۰۰۱). بررسی‌ها نشان داده‌اند که زنان مجرم بیش از مردان مجرم، مبتلا به اختلال شخصیت، سوءمصرف مواد و سایر اختلال‌های روانپزشکی بوده‌اند. هم‌چنین سابقه درمان‌های روانپزشکی پیش از دستگیری و نیاز به درمان‌های روانپزشکی در زندان نیز در زنان بیشتر از مردان بوده است (مدن^۲، سوینتون^۳ و گان^۴، ۱۹۹۴).

روگد^۵، هوگن^۶ و پولسن^۷ (۲۰۰۳) در بررسی قتل‌ها در مدت ده سال در نروژ و دانمارک، بیشترین انگیزه قتل را درگیری، کشمکش‌های خانوادگی، مسایل مالی، روابط و مسایل جنسی و حسادت گزارش کردند، در حالی که فرزندکشی بیشتر با اختلال‌های روانپزشکی مربوط بوده است (دوربن^۸، ۱۹۷۹). ارونن^۹ (۱۹۹۵) در کشورهایی مانند فنلاند که شیوع کلی جرم پایین است، اختلال‌های روانپزشکی مانند اسکیزوفرنیا و اختلال شخصیت ضداجتماعی را دارای نقش مهمی در بروز جرم دانسته است.

زنان بیش از مردان، بستگان درجه یک خود را می‌کشند که خود می‌تواند ریشه در عوامل گوناگون روانشناختی، اجتماعی و خانوادگی داشته باشد (ویکز^{۱۰}، ۱۹۹۵).

بررسی‌های انجام شده در این زمینه در ایران، بی‌قیدوبندی‌های مذهبی و نیز شرایط آشفته خانواده را از نظر اقتصادی و فرهنگی در بروز جرم در زنان مؤثر گزارش نموده‌اند (آکوچکیان و همکاران، ۱۳۷۶؛ ابراهیمی، ۱۳۷۶). کیانی‌فرد (۱۳۸۵) در بررسی زنان قاتل، عواملی چون بی‌علاقگی به همسر، ازدواج‌های تحمیلی و زودرس و اختلاف سنی زیاد، ناآشنایی با مسایل قانونی، ناتوانی در امر طلاق، پذیرفتنی نبودن طلاق در خانواده‌ها، صرف زمان و هزینه زیاد در امر دادرسی، ناآشنایی با مراکز حمایتی دولتی و ترس از بی‌آبرویی را در زمینه پدیده همسرکشی مؤثر دانسته است.

هدف پژوهش حاضر بررسی انگیزه‌های قتل در زنان زندانی متهم به قتل بود. با توجه به نقش فرهنگ و مسایل اجتماعی در این زمینه، علل و انگیزه‌های قتل از دیدگاه زنان مرتکب به قتل در اصفهان بررسی شده است.

روش

در این پژوهش که از نوع کیفی است، برای شناخت یک فرآیند اجتماعی، روش «پژوهش در نظریه زمینه‌ای»^{۱۱} به کار برده شد.

برای انجام این بررسی نخست با هماهنگی با مراجع قضایی و مسئولان زندان مرکزی اصفهان مجری طرح به صورت هفته‌ای یک روز (یک روانپزشک خانم که در زمینه روانپزشکی قانونی مهارت‌های لازم را فرا گرفته بود) در زندان زنان حاضر می‌شد. روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف و شامل زنانی بودند که به اتهام قتل (اقدام یا همدستی) در زندان زنان به سر می‌بردند.

روانپزشک پس از حضور زندانی در اتاق مصاحبه درباره هدف‌های طرح با وی گفتگو نموده و پس از گرفتن رضایت از افراد موردنظر، مصاحبه به صورت انفرادی انجام می‌شد. مصاحبه با پرسش‌های باز درباره ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، خصوصیات خانواده اصلی و شرایط زندگی کنونی، ویژگی‌های مقتول، شرایط اجتماعی و انگیزه‌های قتل آغاز شده و با پرسش‌های هدفمند ادامه می‌یافت.

مدت زمان هر مصاحبه ۱/۵-۱ ساعت بود و به دلایل حفاظتی پژوهشگر مجوز ضبط مصاحبه را به دست نیاورد. به همین دلیل عین متن مصاحبه توسط روانشناس زندان که رابطه بسیار نزدیکی با زندانیان داشت نوشته می‌شد.

در پایان هر مصاحبه، روانپزشک متن مصاحبه را مطالعه نموده، نکات دارای ابهام را از متهم می‌پرسید تا مطمئن شود که درک درستی از مطلب داشته است و سپس نکات موردنظر خود را که شامل تغییرات حالت‌های هیجانی و رفتاری متهم در هنگام مصاحبه بود و برداشت‌های کلی خود را به متن مصاحبه می‌افزود. سپس از روانشناس و مددکار مربوطه نیز درباره متهم نظرخواهی می‌شد و مطالبی در رابطه با رفتارهای وی در زندان

- | | |
|------------------------------|------------|
| 1- Motz | 2- Maden |
| 3- Swinton | 4- Gunn |
| 5- Rogde | 6- Hougen |
| 7- Poulsen | 8- D'Orban |
| 9- Eronen | 10- Wykes |
| 11- grounded theory research | |

و اطلاعاتی که زندانی پیش از مصاحبه در اختیار آنان قرار داده بود نیز در متن مصاحبه گنجانده می‌شد. هم‌چنین پرونده قضایی متهم در صورت امکان، بررسی و باز هم اطلاعات تکمیلی به متن مصاحبه‌ها افزوده می‌شد. در مجموع اطلاعات کامل را متهمان در هنگام مصاحبه به روانپزشک ارایه می‌دادند. گاهی برخی اطلاعات برای نخستین بار فاش می‌شد و اطلاعات برگرفته‌شده از سایر منابع، درصد بسیار کمی از اطلاعات گردآوری‌شده را تشکیل می‌دادند.

در هنگام اجرای پژوهش ۲۳ زندانی زن متهم به قتل، در زندان به سر می‌بردند. پس از تکمیل ۱۷ مصاحبه اطلاعات به اشباع رسید، اما مصاحبه با دو تن دیگر نیز انجام شد و اطلاعات گردآوری‌شده از ۱۹ تن تحلیل گردید. سه مورد هنوز حکم دادگاه برایشان صادر نشده بود و به دلیل مشکلات عصبی و ترس از لودادن مسایل، حاضر به انجام مصاحبه نشدند. در یک مورد هم مصاحبه به صورت غیرمستقیم و به کمک مددکار زندان که رابطه نزدیکی با متهم داشت تکمیل گردید. مطالعه پنج ماه طول کشید و در هر نشست با یک زندانی مصاحبه شد.

داده‌های پژوهش به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش استراوس^۱ و کوربین^۲ تحلیل شدند. مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری شدند: مرحله باز^۳، مرحله محوری^۴ و مرحله انتخابی^۵. در پایان هر مصاحبه، برداشت فردی مصاحبه‌گر از وضعیت روانی متهم، نظرات پرونده جنایی و نظرات روانشناس مربوطه نیز درج شده بود که در صورت اهمیت، به عنوان جملات کلیدی کدگذاری می‌شدند. در کدگذاری باز، متن هر مصاحبه چند بار خوانده و جمله‌های اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی یادداشت شد، سپس کدهایی که از نظر مفهومی به یکدیگر نزدیک بودند، به صورت دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند با یکدیگر مقایسه و ضمن ادغام موارد مشابه، دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط می‌شدند حول محور مشترکی قرار گرفتند. تمرکز بر شرایطی بود که به هدف مورد نظر بیانجامد.

آن‌گاه کدگذاری انتخابی و متغیرهای اصلی^۶ مشخص گردید. کوشش شد مشخص شود که کدام مقوله بیش از همه در داده‌ها تکرار شده و توانسته است سایر متغیرها را به یکدیگر ارتباط دهد.

یافته‌ها

در کل ۱۰۶۳ کد مفهومی استخراج گردید که در ۱۱۵ زیرگروه قرار گرفتند. سپس این ۱۱۵ زیرگروه در ۵۷ گروه کلی‌تر جای داده شدند. این ۵۷ گروه به هشت گروه و در

نهایت به سه مفهوم اصلی رسیدند که شامل عوامل مربوط به قاتل، عوامل مربوط به مقتول و عوامل مربوط به قتل بودند.

۱۶ مورد قتل همسر، یک مورد همدست در قتل مادر، یک مورد همدست در قتل فرزند و یک مورد همدست در قتل یک کودک ۱۱ ساله بود. از آن‌جا که موارد قتل همسر اثبات شده بود، در تحلیل‌های این بررسی از «قاتل همسران» یاد شده است.

الف) عوامل مربوط به قاتل:

۱- عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای:

مجرمین بیشتر از نواحی روستایی، شهرهای کوچک نزدیک اصفهان، خانواده‌های پرجمعیت (بالای سه فرزند) و خانواده‌های دارای باورهای مذهبی متوسط و در چهار مورد باورداشت‌های مذهبی افراطی بودند.

مورد ۱: «مادرم آن‌قدر مقید بود که حتی نمی‌گذاشت موسیقی تلویزیون را هم گوش کنیم». جالب بود که در بیشتر آنها اثری از خشونت در خانواده دیده نمی‌شد.

مورد ۶: «پدرم خیلی مهربان بود، بزرگ ده بود و رفتارشان با ما و همه خیلی خوب بود». تنها در چهار مورد سابقه خشونت‌های بدنی شدید به‌ویژه از جانب پدر گزارش شد.

مورد ۲: «پدرم خیلی تندخو بود. به‌طور دائم ما و مادرمان را با عصا کتک می‌زد». سابقه اعتیاد در بستگان درجه یک تنها در چهار مورد گزارش گردید.

بیشتر آنها با مقوله اعتیاد آشنایی نداشتند.

برخی از آنها از خانواده‌های بسیار سرشناس و سطح بالای روستا یا شهر خود و دارای شرایط مالی مطلوب بودند ولی بقیه از خانواده‌های متوسط و تهیدست جامعه بودند.

مورد ۳: «آن‌قدر فقیر بودیم که در کودکی مجبور بودیم قالی‌بافی کنیم».

نبود پدر در هفت مورد و فقدان مادر در دو مورد دیده شد که این افراد ناگزیر از زندگی با ناپدری و نامادری پیش از سن ازدواج شده بودند. سوء رفتار توسط مراقبین دوران کودکی نیز موضوع بسیار ناراحت‌کننده‌ای بود که در سه مورد به صورت شدید گزارش گردید.

1- Strauss
3- open
5- selective

2- Corbin
4- axial
6- core variables

قتل شده بودند و علت ازدواج دوباره در دو مورد طلاق و در یک مورد مرگ همسر اول بوده است. در یک مورد مجرم، همسر اول خود را به قتل رسانده بود و با همدست خود ازدواج کرده بود.

۳- عوامل مربوط به ازدواج

مهم‌ترین مسأله‌ای که در همه مجرمین به چشم می‌خورد، ازدواج‌های اجباری یا سنتی و بی‌تفاوت بودن فرد نسبت به انتخاب همسر خود بوده است. تنها در پنج مورد رضایت اولیه در ازدواج وجود داشته است. نداشتن تمایلات جنسی به همسر به‌ویژه پس از شروع بی‌وفایی همسر و آزار دادن زن (هفت مورد)، عامل شروع روابط خارج از زناشویی بوده است.

مورد ۱: «از وقتی که شاهد روابط همسرم شدم از او متنفر شدم. می‌خواستم از او انتقام بگیرم. هر ماشینی که جلوی پایم بوق می‌زد سوار می‌شدم.»

مورد ۲: «یک‌بار که شاهد روابط نامشروع شوهرم در منزل خودم بودم و با او دعوی سنگینی کردم، گفت: دیگر با تو کاری ندارم برو خودت خرجت را در بیاور. از آن روز هیچ ارتباطی بین ما نبود و من روز به روز به دوست شوهرم نزدیک‌تر شدم و شوهرم با وجود اطلاع داشتن از روابط ما برای به‌دست آوردن پول، ممانعتی نمی‌کرد.»

جالب آن که با وجود مشکلاتی که گریبانگیر این زنان شده بود، بیشتر آنها برای حفظ زندگی زناشویی خود تلاش بسیاری می‌کردند.

مورد ۵: «همسرم اعتیاد شدید داشت؛ تمام وسایل منزل را می‌فروخت؛ بی‌کار بود. دخترم صبح‌ها گرسنه به مدرسه می‌رفت. خانواده‌اش اصلاً به درد دلم گوش نمی‌دادند. قالی‌بافی می‌کردم. هر کاری کردم که ترک کند. هرچه داشتم دادم تا ترک کند ولی او هم چنان به اعتیاد و آزار ما ادامه می‌داد.»

در این زنان، پس از شروع زندگی زناشویی دو گونه روابط کاملاً متفاوت به چشم می‌خورد: یا این زنان به دنبال اعمال خلاف همسرانشان به حال خود گذاشته می‌شدند و هیچ نظارتی بر رفت و آمد و اخلاقیات آنان نمی‌شد و یا برعکس مورد کنترل و آزارهای بسیار شدید همسر قرار می‌گرفتند که عرصه را به‌شدت برای آنان تنگ می‌کرد.

مورد ۱: شوهرم کار درستی نداشت، اسکناس جعل می‌کرد، پول زیادی در اختیارم می‌گذاشت و از من

مورد ۱۸: «به‌دلیل فوت پدر و مادرم از دو ماهگی با خواهر ناتنی و شوهر خواهرم زندگی می‌کردم، مرا مجبور به کارهای منزل و نگهداری از فرزندانمان کرده بودند. پیوسته کتک می‌خوردم و مرتب به مادرم که مرده بود فحاشی می‌کردند. عذاب روحی و جسمی زیادی در کودکی کشیدم.»

۲- عوامل فردی:

بیشتر مجرمین تحصیلات زیر راهنمایی داشتند و تنها سه مورد بین سیکل و دیپلم بودند. سابقه اعتیاد تنها در سه مورد از مجرمین دیده شد.

مورد ۴: «شوهرم آن‌قدر مرا اذیت می‌کرد که دچار ناراحتی روحی شده بودم. هرچه دارو می‌خوردم اثر نمی‌کرد. آخر به پیشنهاد خواهرم به تریاک رو آوردم تا بی‌خیال شوم.»

مورد ۱۱: «شوهرم مرا مجبور به مصرف تریاک و الکل می‌کرد تا دیگر از کارهای او ایراد نگیرم و مرا به خودش محتاج کند.»

در این پژوهش، اختلال‌های روانپزشکی در مجرمین بررسی نگردید، ولی پنج مورد اشاره کردند که به دنبال مشکلات عمده با همسر و مسایل خانوادگی به روانپزشک مراجعه کرده‌اند. مصرف پیوسته دارو و مراجعات منظم به روانپزشک را هیچ‌یک از آزمودنی‌ها گزارش نکردند. یکی از موارد (متهم به همدستی در قتل مادر)، دختر ۲۰ ساله‌ای بود که علائم واضح اختلال شخصیتی مرزی داشت.

در هیچ‌کدام از مجرمین مشکلات اخلاقی و روابط نامشروع تا پیش از ازدواج گزارش نشد، ولی در ده مورد، آغاز این روابط پس از ازدواج و به‌ویژه به دنبال اوج‌گیری اختلاف با همسر شکل گرفته بود.

مورد ۶: «شوهرم معتاد بود، به همه بدهکار بود، مرا وادار به انجام روابط جنسی با طلبکارها می‌کرد تا حساب‌هایش را تسویه کنم.»

تنها دو مورد از مجرمین سن بالای ۳۰ سال داشتند و سایر قتل‌ها را زنان جوان ۳۰-۲۰ ساله انجام داده بودند. سابقه دستگیری تنها در دو مورد از مجرمین دیده شد که یک مورد به‌دلیل خرید و فروش مواد اعتیادآور و مشروبات الکلی و یک مورد نیز به دنبال درگیری بوده است.

سن پایین ازدواج یک نکته درخور تأمل بود، همه مجرمین در سن زیر ۲۰ سال و در هفت مورد زیر ۱۵ سال ازدواج کرده بودند. سه مورد در دومین ازدواج خود مرتکب

می‌خواست حسابی به خودم برسیم و تفریح کنیم. هیچ وقت نمی‌پرسید کجا می‌روم یا این همه پول را چه کار می‌کنم. با پول دهنم را بسته بود که به کارهایش ایراد نگیرم.»

مورد ۱۱: «شوهرم اهل هر خلاقی بود. وقتی به او اعتراض می‌کردم به شدت من و بچه را می‌زد. یک بار جلوی برادرش با پیچ گوهی به من تجاوز کرد.»

روابط نامطلوب با خانواده همسر، احساس عدم حمایت را برای بیشتر آنان در پی داشته و آنان را واداشته است که خودشان برای از میان برداشتن این مشکلات چاره‌ای بیندیشند.

مورد ۷: «یک بار شکایت کارهای همسر را به برادر شوهرم کردم. او گفت که: برادرم آدم خلاقی است و ما جرأت دخالت [در زندگی خصوصی و کارهای او را] نداریم و یک بار که در منزل تنها بودم همین برادر شوهرم از من سوءاستفاده [احتمالاً سوءاستفاده جنسی] کرد.»

وضعیت مالی نامطلوب پس از ازدواج زمینه بزهکاری را هم برای قاتلان و هم برای مقتولان فراهم می‌کرد.

مورد ۶: «شوهرم معتاد و بی‌کار بود؛ دائم بدهکار بود. گاهی دزدی می‌کرد و گاهی مرا مجبور به روابط نامشروع می‌کرد.»

ب) عوامل مربوط به مقتول

به دلیل این که اطلاعات ما از مقتول به کمک شرح حال از قاتلان و بررسی پرونده قضایی و تحقیقات کیفری به دست آمده است، جزئیات ویژگی‌های مقتولان به دست نیامد. ولی به طور کلی می‌توان گفت که بیشتر مقتولان از خانواده‌های پرجمعیت، بدون گرایش‌های مذهبی و دارای روابط بین فردی نامطلوب، وضعیت مالی ضعیف و بستگان درجه یک معتاد و خشن بودند. آنها از همان آغاز ازدواج، گرایش جنسی به غیر از همسر و روابط خارج از ازدواج داشته‌اند. بیشتر آنها به شغل‌های کاذب و فعالیت‌های ضداجتماعی مانند دزدی، جعل اسکناس و خرید و فروش مواد مخدر پرداخته‌اند. تنها سه نفر از آنها تحصیلات بالای دیپلم و شغل مناسب داشتند.

مورد ۱۲: همدست در قتل مادر: «مادرم بسیار آدم بدی بود، نگهبان یک باغ بود، آنجا خرید و فروش مواد مخدر می‌کرد و سپس قاچاقچیان و نیروی انتظامی را به یکدیگر لو می‌داد و باعث کشته شدن خیلی‌ها شد.»

اعتیاد در دو نفر از آنها شدید و خشونت‌های شدید نسبت به همسر و فرزندان در ۱۵ مورد از آنان گزارش شد.

مورد ۱۸: «شوهرم به بچه‌ام هم رحم نمی‌کرد. چند جای بدن پسر کوچکم را با آتش سیگار سوزانده بود.»

مورد ۱۱: «شوهرم یک وحشی به تمام معنی بود؛ یک بار بچه‌هایم را با سیخ داغ سوزاند.»

برآورده‌نکردن خواسته‌های همسر (مالی، احساسی و جنسی) نیز شکایت مهم این زنان بود. گاهی مردان همسرانشان را تشویق به انجام کارهای خلاف از جمله روابط نامشروع، اخاذی و خرید و فروش مواد مخدر می‌کردند تا خود آزادانه‌تر رفتار کنند و حتی خود زمینه این خلافکاری‌ها را نیز فراهم می‌کردند.

مورد ۱۰: «شوهرم بسیار بی‌غیرت بود. شب‌ها که خواب بودم طلبکارها را بر سر من می‌ریخت تا به این ترتیب حساب‌هایش را تسویه کند.»

و اما مهم‌ترین عوامل برگرفته شده از مصاحبه‌ها عوامل مربوط به عمل قتل بود.

انگیزه‌های قتل

۱- خلاصی از آزارها و اذیت‌های همسر و احساس ناچاری

مورد ۱۱: «شوهرم بی‌اندازه من و بچه‌ها را کتک می‌زد و آزار و شکنجه می‌داد. یک بار به بهانه بی‌جا، سرم را لبه حوض گذاشت و با چاقو می‌خواست گردنم را ببرد که برادر شوهرم به دادم رسید. دیگر احساس امنیت جانی نمی‌کردم. تصمیم گرفتم او را بکشم.»

۲- اعمال خلاف همسر که زن شاهد آن بوده است و ایجاد کینه و نفرت

مورد ۱۸: «با وقاحت تمام زن و دختر به خانه می‌آورد و جرأت اعتراض نداشتم. از او نفرت پیدا کرده بودم.»

۳- عدم موافقت همسر به طلاق

تنها در سه مورد بی‌علاقگی اولیه به همسر، دلبستگی به فرد دیگر و موافقت نکردن همسر به طلاق انگیزه اصلی قتل بوده است.

مورد ۱۹: «اصلاً شوهرم را دوست نداشتم. حتی یک بار برای اعتراض به این ازدواج اقدام به خودکشی کردم. بعد از آن هم دایم به او گفتم که کسی دیگر را دوست دارم، مرا طلاق بده، ولی او قبول نکرد. ناچار شدم او را بکشم.»

ولی در بیشتر موارد زن به دنبال آزارها و اذیت‌های همسر به طلاق روی می‌آورده که با تهدید و مخالفت همسر روبه‌رو می‌شده و زن برای حفظ جان خود اقدام به قتل می‌کرده است.

مورد ۱۴: از این که شوهرم را کشتم پشیمانم و دوست دارم قصاص شوم. اگر تاریخ تکرار می‌شد از این همه آزار خودم را می‌کشتم.»

بحث

همان‌گونه که بیان شد، بیشتر زنان متهم به قتل از خانواده‌های پرجمعیت، ساکن شهرهای کوچک و حاشیه‌ای، با گرایش‌های مذهبی و در وضعیت اقتصادی نامطلوب بودند و سابقه خشونت و اعتیاد در بستگان درجه یک آنها یافته بارزی نبود. بیشتر آنها تا پیش از ارتکاب به قتل سابقه پرخاشگری هم نداشتند و به‌جز دو مورد که سابقه دستگیری به دلیل فروش مواد مخدر داشتند، هیچ سابقه زندانی شدن و حتی جرایم کوچک هم دیده نشد. این یافته‌ها با بسیاری از بررسی‌ها هم‌سوئی دارد؛ از جمله هی‌دنسون^۱ و همکاران (۱۹۹۱) که گزارش نمودند بیشتر زنانی که در دادگاه به جرم جرایم جدی حاضر می‌شوند، نخستین حضور خود را در دادگاه تجربه می‌کنند و شمار ناچیزی از آنان مجرم حرفه‌ای هستند و سلکین^۲، راجرز^۳ و سول^۴ (۱۹۹۷) که در بررسی ۱۰۳ زن مجرم در تگزاس شدت اختلال شخصیت را دارای ارتباط متوسطی با خشونت گزارش نمود. وارن^۵، سوت^۶، بورنت^۷، روجرز^۸ و بال^۹ (۲۰۰۵) در بررسی ۳۲ زن زندانی در بخش‌های با حفاظت ویژه^{۱۰} دریافتند زنانی که مرتکب قتل می‌شوند افزایشی را در میزان اختلال‌های شخصیت نشان نمی‌دهند و میزان این اختلال‌ها در زنانی بالاست که به جرایم پی‌درپی و غیر خشن روی می‌آورند.

ورون^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۰) ۱۸۶ زن زندانی را ارزیابی نمودند و دریافتند بیشتر زنانی که یک‌بار جرم خشونت‌بار انجام داده‌اند سابقه جرایم بسیار کمتری دارند و درگیری‌های داخل زندان هم در آنان کمتر است.

کوئید^{۱۲}، کاهتان^{۱۳}، گایت^{۱۴} و جارمن^{۱۵} (۲۰۰۰) بیشتر زنان زندانی در بخش‌های با حفاظت متوسط^{۱۶} را مبتلا به اختلال‌های شخصیتی گزارش نمودند. در بررسی حاضر سن پایین ازدواج و نارضایتی از ازدواج در بیشتر متهمان شکایت

مورد ۱: «به دلیل اعتیاد، دزدی و آزارهای شدید، بارها تقاضای طلاق کردم. او جلوی قاضی گفت طلاقش می‌دهم ولی کسی را اجیر می‌کنم که روی صورتش اسید بپاشد. چون می‌دانستم چنین کاری را می‌کند، از ترس جانم نقشه قتل او را کشیدم.»

احساس بی‌حمایتی از جانب خانواده زن بیش از عدم حمایت از جانب خانواده همسر برایشان آزاردهنده بود. سه موردی که به قانون پناه برده بودند با وجود عدم حمایت خانواده، قانون نیز آنان را وادار به ادامه زندگی کرده بود که از این نظر شکایت داشتند.

پ) عوامل مرتبط با قتل

بیشتر مجرمین به دلیل وضعیت نامناسب مالی، ضعف بدنی، بی‌سوادی و ناآگاهی از حقوق قانونی خود، برای رهایی از این آزارها به فرد دیگری پناه می‌بردند که تنها در شش مورد این فرد شریک جنسی آنان بود و در بقیه موارد از افرادی کمک می‌گرفتند که به نحوی از فرد مقتول آسیب دیده بودند.

مورد ۱۳: «شوهرم منحرف جنسی بود، به یکی از قربانیان او که در کودکی به‌زور همسرم تحت عمل لواط قرار گرفته بود پیشنهاد قتل شوهرم را دادم و او که کینه زیادی از شوهرم داشت فوراً پذیرفت.»

بیشتر همدستان قتل نیز افرادی با سوابق کیفری و رفتارهای ضداجتماعی بودند که پیشنهاد قتل در بیشتر موارد توسط آنها داده می‌شد. در هشت مورد مجرمین مستقیماً اقدام به قتل همسرانشان کرده بودند و در بقیه موارد زمینه را برای قتل فراهم کرده بودند.

مورد ۱۱: «یک‌بار که تریاک مفصلی کشیده بود و نشسته بود با پتک بر سرش کوبیدم. بعد به کمک جاری‌ام بدنش را تکه تکه کردیم و به رودخانه انداختیم.»

تنها در سه مورد پیشنهاد از سوی زن به همدست بوده است که آنان را به بهره‌های مالی و یا جنسی امیدوار می‌کرده‌اند.

مورد ۱: «تنها آرزویم مرگ همسرم بود. به خواستگار قبلی‌ام پیشنهاد دادم اگر کمک کند او را بکشیم با او ازدواج می‌کنم.»

در پایان هر مصاحبه درباره رضایت از قتل از آنان پرسیده می‌شد که دو گروه کاملاً متفاوت بودند: یک‌عده رضایت کامل داشتند و عده‌ای دیگر کاملاً پشیمان بودند.

مورد ۵: «الآن که در زندانم احساس آزادی می‌کنم. آن موقع واقعاً در جهنم بودم؛ واقعاً احساس آرامش می‌کنم.»

- | | |
|---------------|----------------------|
| 1- Heidensohn | 2- Salekin |
| 3- Rogers | 4- Sewell |
| 5- Warren | 6- South |
| 7- Burnette | 8- Rogers |
| 9- Bale | 10- maximum security |
| 11- Verona | 12- Coid |
| 13- Kahtan | 14- Gault |
| 15- Jarman | 16- medium security |

شایعی بود. بیشتر آنها پس از ازدواج به دلیل بهره‌مند نبودن از حمایت خانوادگی و اجتماعی در راستای حفظ زندگی ناخواسته خود تلاش می‌کردند، ولی عوامل نامساعد زندگی از جمله خشونت‌های شدید همسران، اعتیاد، بزهکاری همسر و روابط خارج از ازدواج این زنان را نسبت به همسرانشان بی‌تفاوت و حتی بیزار کرده بود. بیشتر آنها به دلیل فرار از موقعیت‌های زیان‌بار زندگی، بارها اقدام به فرار یا طلاق ناموفق کرده بودند. سواد پایین، برخوردار نبودن از مهارت‌های حل مشکل و کم بودن نیروی بدنی، آنان را به کمک گرفتن از افراد دیگر واداشته بود.

بیشتر همدستان متهمان مورد بررسی، مردانی بودند که به‌نحوی از فرد مقتول آسیب دیده بودند و حس انتقام‌جویی مشترک آنان را به هم پیوند داده بود. برخی از زنان در این میان، تمایلات هیجانی به هم جرم خود نیز پیدا کرده بودند و رسیدن به فرد مورد علاقه، انگیزه قتل شده بود؛ ولی در بسیاری از آنان تنها حس انتقام‌جویی و یا طمع مالی، همدستان را با آنان همراه نموده بود.

تفاوت مطالعه حاضر با بسیاری از مطالعات دیگر نسبت قاتل با فرد مقتول است. در این بررسی ۱۷ مورد از ۲۰ مورد، قتل همسر بود، در حالی که در بررسی روگد^۱، هوگن و پولسن (۲۰۰۱) از ۱۲ زن قاتل، ۹ زن فرزندان نُه ساله و کوچک‌تر خود را به قتل رسانده بودند. بورگت^۲ و همکاران (۱۹۹۰) نیز فرزندکشی را در میان زنان یافته شایعی گزارش نموده و استرس‌های روانی- اجتماعی و به‌دنبال آن افسردگی و افکار خودکشی را عوامل مهم فرزندکشی دانسته‌اند.

بورگت و گانگه^۳ (۲۰۰۲) در بررسی دیگری مبتلا به افسردگی یا پسیکوز را در ۸۵٪ مادرانی که اقدام به فرزندکشی کرده بودند گزارش نمود. لوپس^۴ و بونس^۵ (۲۰۰۳) نیز ۵۲٪/۷۷٪ زنانی را که اقدام به قتل فرزندان خود نموده بودند در لحظه قتل دارای نشانه‌هایی از پسیکوز دانست.

با آن‌که در بررسی حاضر اختلال‌های روانی در زنان ارزیابی نگردید، ولی در مصاحبه دوساعته روانپزشک با آنها به‌جز سه مورد که به‌دنبال مشکلاتشان مبتلا به افسردگی شده بودند و یک مورد که مبتلا به اختلال شخصیت مرزی بود، علائمی از اختلال روانپزشکی و یا نیاز به درمان‌های روانپزشکی در هنگام انجام جرم یافت نشد که البته نیازمند مطالعه دقیق‌تر است. با این حال، در برخی پژوهش‌ها به این ارتباط اشاره شده

است. وارن و همکاران (۲۰۰۲) در بررسی ۲۵۰ زن زندانی، ارتباطی قوی بین اختلال شخصیت ضداجتماعی با خشونت‌های داخل زندان و بین اختلال شخصیت خودشیفته با دستگیری به‌دلیل جرایم خشن پیدا کردند.

پوت کونن^۶ و همکاران (۲۰۰۱) نیز ۱۲۵ زن فنلاندی اقدام‌کننده به قتل را بررسی نمودند و دریافتند که زنان پسیکوتیک بیشتر کودکان؛ و زنان مبتلا به اختلال شخصیت بیشتر افراد بزرگسال را به قتل می‌رسانند. لانیون^۷ و آلمر^۸ (۲۰۰۲) نیز شخصیت‌های هیستریک، خودبیمارانگار و افسرده را افرادی اهل درگیری و زدوخورد معرفی می‌کنند. ملوی^۹ و بوید^{۱۰} (۲۰۰۳) در بررسی زنان مزاحم، بیشتر آنها را مجرد، غیرهمجنس‌خواه و با ویژگی‌های شخصیتی مرزی گزارش نمود. این زنان مردان مسن‌تر از خود را با هدف تحکیم روابط با آنان، وابستگی شدید به آنها و یا خشونت نسبت به ایشان، تهدید به خشونت می‌کنند. این بررسی در زمینه ویژگی‌های فرد مقتول نشان داد که بیشتر افراد مقتول دچار اختلال شخصیت ضداجتماعی، معتاد، بی‌کار، خلاف‌کار و دارای سابقه پرخاشگری شدید بوده و سابقه زندان داشته‌اند. بیشتر زنان انگیزه قتل را رهاشدن از آزارهای آنان و احساس ناچاری دانستند. بسیاری از آنان از خانواده‌های خود به‌دلیل حمایت‌نکردن از طلاق گله‌مند بودند؛ بسیاری از آنان شوهرانشان را گناهکار می‌دانستند که زمینه‌های آشنایی با همدستان قتل را به‌دلیل رفت‌وآمد با افراد خلاف‌کار فراهم می‌کردند. آنها حتی هنوز هم شگفت‌زده‌اند که چگونه این کار را کرده‌اند. بسیاری ابراز پشیمانی می‌کردند و احساس ازدست‌دادن همه چیز را داشتند. ولی گروهی آن‌قدر آسیب‌دیده بودند که زندان را تنها راه آزادبودن خود می‌دانستند. این یافته با یافته‌های تودورو^{۱۱} و بارگ^{۱۲} (۲۰۰۲) هم‌خوانی دارد؛ که رویارویی طولانی با پرخاشگری را باعث شکل‌گیری پرخاشگری در فرد آزاردیده گزارش نمود.

ریعی (۱۳۸۱) در بررسی قربانیان همسرآزاری دریافت که این زنان به‌دلیل نداشتن اطلاعات درباره حقوق قانونی زنان، شرم از مراجعه به مراکز قضایی- انتظامی و هزینه‌های مادی و غیرمادی پی‌گیری شکایات، با خشونت‌های وارده مدارا می‌کنند.

1- Rogde
3- Gagne
5- Bunce
7- Lanion
9- Meloy
11- Todorow

2- Bourget
4- Lewis
6- Putkonen
8- Almer
10- Boyd
12- Bargh

که در عمدی کردن قتل به دست زنان و موضوع قصاص، تأملی دوباره به ساختار و عوامل سوق‌دهنده زنان به قتل و تعریف دوباره‌ای از قصد افراد از سوی قضات صادرکننده رأی، ضروری است. از سوی دیگر، این که فشارهای اجتماعی و قوانین نابرابر برای زنان تا چه اندازه در روی آوردن آنان به بهره‌گیری از ابزار خشونت از جمله «قتل» تأثیرگذار بوده است، نیاز به بررسی‌های گسترده دارد (جعفری، ۱۳۸۶).

محدودیت مهم این پژوهش، بررسی موضوع قتل و ویژگی‌های مقتول از زبان قاتل است. بی‌گمان مصاحبه با یکی از بستگان نزدیک مقتول، اعتبار یافته‌ها را افزایش می‌دهد. به‌دست‌نیابردن مجوز ضبط مصاحبه‌ها نیز محدودیت دیگر این مطالعه بود که برای جلوگیری از حذف یافته‌ها، بازخوانی متن مصاحبه‌ها در پایان مصاحبه انجام شد. هم‌چنین این مطالعه صرفاً بر روی زنان متهم به قتل زندان اصفهان انجام شد و قابل تعمیم به کل جامعه نمی‌باشد.

پیشنهاد می‌گردد در بررسی‌های آینده وضعیت اختلال‌های روانی در جمعیت زنان قاتل با روش‌های تشخیصی دقیق انجام و از این نظر با مردان مرتکب به قتل مقایسه شوند و مصاحبه با نزدیکان مقتول نیز مد نظر قرار گیرد. لزوم آگاه‌سازی زنان از حقوق قانونی خود، حمایت اجتماعی بیشتر از زنان کم‌سواد و بدون درآمد، رسیدگی به آزارهای جسمی، جنسی و روانی گزارش شده از سوی زنان و برخوردهای جدی با فرد آسیب‌رسان نیز پیشنهاد می‌شود.

سپاسگزاری

از آقای دکتر حیدرعلی عابدی که در طراحی این پژوهش کیفی ما را یاری نمودند کمال تشکر را داریم. هم‌چنین از مسئولین محترم زندان مرکزی اصفهان و بند زنان و نیز از زنان زندانی متهم به قتل که با بردباری در انجام این پژوهش یاری کردند، قدردانی می‌شود. از مرکز تحقیقات علوم رفتاری اصفهان، معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان و سازمان زندان‌ها نیز که بودجه این طرح تحقیقاتی را تأمین کردند، سپاسگزاری می‌گردد.

[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، تعارض منافع وجود نداشته

است.]

بلالی میبیدی و حسنی (۱۳۸۸) ۴۰۰ زن شوهردار را در شهر کرمان بررسی کردند و میزان شیوع خشونت علیه زنان توسط همسرانشان را ۴۶٪ گزارش نمودند. سطح سواد پایین، اعتیاد، شغل نامناسب و کم‌درآمد و زندگی در روستا تا سن بیست‌سالگی در مردان را از عواملی گزارش کردند که افزایش خشونت علیه زنان را در پی دارند. در بررسی یادشده، خشونت روانی (با فراوانی ۷۸/۶٪)، خشونت جسمی (با فراوانی ۵۵/۶٪) و خشونت جنسی (با فراوانی ۲۸/۶٪) بیش از خشونت‌های دیگر گزارش گردید.

افتخار، کاکویی، ستاره فروزان و برادران افتخاری (۱۳۸۳) میزان تحصیلات ۷۰٪ زنان آزاردیده از همسر را که به پزشکی قانونی مراجعه کرده بودند، دیپلم و پایین‌تر گزارش کردند که بیشتر آنها از حقوق قانونی خود آگاهی نداشتند و ترس از پیامدهای اجتماعی شکایت موجب شده بود که با آزار همسرانشان کنار بیایند.

خسروی و خاقانی‌فرد (۱۳۸۳) از میان چهار گونه خشونت روانی، فیزیکی، جنسی و اقتصادی، خشونت روانی را دارای بالاترین همبستگی با گرایش به خودکشی و آسیب‌رساندن به همسر دانستند. زنان کتک‌خورده‌ای که همسرانشان را به قتل رسانده‌اند در شرایط خشونت‌آمیزی قرار گرفته و بر این باورند که برای دفاع شخصی مرتکب قتل شده‌اند. این موضوع در بررسی رئیس (۱۳۸۵) نیز یکی از عوامل مهم در قتل‌های خانوادگی بود.

بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در مورد زنان مجرم نیز بر روی مسایل اجتماعی بیش از مسایل روانی تکیه کرده‌اند.

آدلر^۱ (۱۹۷۵) و سیمون^۲ (۱۹۷۵) دریافتند که میزان جرایم در زنان رو به افزایش است و یک فرضیه این است که جنبش نوین زنان^۳ افزایش میزان جرایم را هم در زنان دربرمی‌گیرد. ولی در مطالعات دیگر ارتباط آماری معنی‌داری در رابطه با میزان جرایم و جنبش زنان به‌دست نیامد؛ چرا که این افزایش جرم در سنین زیر ۱۸ سال در طبقات اجتماعی پایین بیشتر دیده شده که هنوز این گرایش‌های فکری شکل نگرفته‌اند (اسمارت^۴، ۱۹۷۹؛ آستین^۵، ۱۹۸۱؛ باکس^۶، ۱۹۸۳).

هنگامی که حقوق زن در نقش همسر، در امن‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده، نادیده گرفته می‌شود و مورد تجاوز قرار می‌گیرد، به جای امنیت خاطر، هراس و ناامیدی به‌جا می‌گذارد، شکل‌گیری هویت او را دشوار می‌کند و زن احساس خودکوچک‌بینی و بی‌ارزشی می‌کند. به‌نظر می‌رسد

1- Adler
3- feminism
5- Austin

2- Simon
4- Smart
6- Box

منابع

- D'Orban, P.T. (1979). Women who kill their children. *British Journal of Psychiatry*, 134, 560-571.
- Eronen, M. (1995). Mental disorders and homicidal behavior in female subjects. *American Journal of Psychiatry*, 152, 1216-1218.
- Heidensohn, F. M. (1991). Women as perpetrators and victims of crime: A sociological perspective. *British Journal of Psychiatry*, 12, 3-15.
- Lanyon, R. I., & Almer, E. R. (2002). Characteristics of compensable disability patients who choose to litigate. *Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, 30, 400-404.
- Lewis, C. F., & Bunce, S. C. (2003). Filicidal mothers and the impact of psychosis on maternal filicid. *Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, 31, 459-470.
- Maden, T., Swinton, M., & Gunn, J. (1994). Psychiatric disorder in women serving a prison sentence. *British Journal of Psychiatry*, 164, 44-54.
- Meloy, J. R., & Boyd, C. (2003). Female stalkers and their victims. *Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, 31, 211-219.
- Motz, A. (2001). *The psychology of female violence*. New York: Routledge.
- Putkonen, H., Collander, J., Honkasalo, M. L., & Lönnqvist, J. (2001). Personality disorders and psychosis from two distinct subgroups of homicide among female offenders. *American Journal of Forensic Psychiatry*, 12, 300-312.
- Rogde, S., Hougen, H. P., & Poulsen, K. (2003). Homicide by blunt force in 2 Scandinavian capitals. *American Journal of Forensic Medicine and Pathology*, 24, 288-291.
- Rogde, S., Hougen, H. P., & Poulsen, K. (2001). Asphyxial homicide in two Scandinavian capitals. *American Journal of Forensic Medicine and Pathology*, 22, 128-133.
- Salekin, R. T., Rogers, R., & Sewell, K. W. (1997). Construct validity of psychopathy in female offenders sample: A multitrait-multimethod evaluation. *Journal of Abnormal Psychology*, 106, 576-585.
- Simon, R. (1975). *Women and crime*. London: Lexington.
- افتخار، حسن؛ کاکویی، حسین؛ ستاره فروزان، آمنه؛ برادران افتخاری، منیر (۱۳۸۳). ویژگی‌های فردی قربانیان همسرآزاری در مراجعان به مراکز سازمان پزشکی قانونی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال سوم، شماره ۱۲، ۲۶۹-۲۵۷.
- آکوچکیان، شهلا (۱۳۷۶). *بررسی رابطه بین اعتقادات عملی و تکرش‌های مذهبی با جرم و بزهکاری زنان مجرم ندامتگاه اصفهان*. گزارش نهایی طرح تحقیقاتی مرکز تحقیقات علوم رفتاری اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- ابراهیمی، امرا... (۱۳۷۶). *بررسی میزان ناسازگاری و طلاق در زنان مجرم ندامتگاه اصفهان قبل از ارتکاب جرم و مقایسه با گروه کنترل*. گزارش نهایی طرح تحقیقاتی مرکز تحقیقات علوم رفتاری اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- بلالی میبدی، فاطمه؛ حسینی، مهدی (۱۳۸۸). فراوانی خشونت علیه زنان توسط همسرانشان در شهر کرمان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال پانزدهم، شماره ۳، ۳۰۷-۳۰۰.
- جعفری، مینا (۱۳۸۶). زنان قاتل، نمادی از بن‌بست‌های حقوقی زنان. *روزنامه اعتماد ملی*، شماره ۶۰۶، تاریخ ۸۶/۱۲/۲۳، صفحه ۱۴.
- خسروی، زهره؛ خاقانی فرد، میترا (۱۳۸۳). بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رسانی به همسر در زنان شهر تهران. *مجله فرهنگ و پژوهش*، سال دوم، شماره ۳، ۱۱۴-۹۹.
- ربیعی، محمدسیف (۱۳۸۱). همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه پژوهش زنان*، سال اول، شماره ۴، ۲۵-۵.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۵). *بررسی موارد قتل‌های خانوادگی گزارش شده در اخبار روزنامه‌های کثیرالانتشار*. خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، ۲۸-۲۵ اردیبهشت.
- کیانی فرد، نازنین (۱۳۸۵). *چرا زنان شوهران خود را می‌کشند؟ در دسترس در: <http://meydaan.org/showarticle.aspx?arid=115>*
- Adler, F. (1975). *Sister in crime*. New York: Mc Graw Hill.
- Austin, R. (1981). Liberation and female criminality in England and Wales. *British Journal of Criminology*, 21, 371-374.
- Bourget, D., & Bradford, J. M. (1990). Homicidal parents. *Canadian Journal of Psychiatry*, 35, 233-238.
- Bourget, D., & Gagne, P. (2002). Maternal filicid in Quebec. *Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, 30, 345-351.
- Box, S., & Hale, C. (1983). Liberation and female criminality in England and Wales. *British Journal of Criminology*, 23, 35-49.
- Coid, J., Kahtan, N., Gault, S., & Jarman, B. (2000). Women admitted to secure forensic psychiatry services: II Identification of categories using cluster analysis. *American Journal of Forensic Psychiatry*, 2, 296-315.

- Smart, C. (1979). The new female criminal: Reality or myth? *British Journal of Criminology*, 19, 50-59.
- Todorow, A., & Bargh, J. A. (2002). Automatic sources of aggression. *Aggression and Violence Behavior*, 7, 53-68.
- Verona, E., & Carbonell, J. (2000). Female violence and personality. *Criminal Justice and Behavior*, 27, 176-195.
- Warren, J. I., Burnette, M., South, S. C., Chauhan, P., Bale, R., & Friend, R. (2002). Personality disorders and violence among female prison inmates. *Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, 30, 502-509.
- Warren, J. I., South, S. C., Burnette, M. L., Rogers, A., Bale, R. (2005). Understanding the risk factors for violence and criminality in women: The concurrent validity of the PCL-R and HCR-20. *International Journal of Law Psychiatry*, 28, 269-289.
- Wykes, M. (1995). Passion, marriage and murder: Analysing the press discourser. In R. E. Dobash, R. P. Dobash, L. Noaks (Eds.), *Gender and crime*. Cardiff: University of New South Wales.